



<div>صاحب‌امتیاز:</div> <div>مدیرمسئول:</div> <div>نشانی:</div> <div>تلفن:</div> <div>فکس/اینترنتی:</div> <div>ایمیل:</div> <div>چاپ:</div>	<div>موسسه همگامان اندیشه زمان</div> <div>محمود حیدری</div> <div>کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب اداره ارشدکرج</div> <div>۰۲۶- ۳۳۵۳۳۳۳۳-۳۳۵۳۳۳۸</div> <div>فکس/اینترنتی: ۰۲۱- ۸۹۷۸۶۳۳۳</div> <div>ایمیل: info@payamdaily.ir</div> <div>کارجو:</div>
---	---

- کوتاه از جشنواره سی و سوم**

تا پایان روز سوم

«**شکاف**»، **فیلم منتخب نویسندگان بیام آتشنا**

<div>در پایان روز سوم، فیلم سینمایی «شکاف» با میانگین امتیاز ۱٫۸۲ از ۴ در صدر جدول ارزشگذاری نویسندگان پیام آشنا قرار گرفت. فیلم های «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» ساخته وحید جلیوند با میانگین امتیاز ۱٫۶۶ از ۴ و «مرگ ماهی» ساخته روح ا.. حجازی با میانگین امتیاز ۱٫۳۸ از ۴ رده های دوم و سوم جدول را</div>	<div>سینمایی فیلم شکاف</div>
--	------------------------------

از آن خود کردند.

جدول رده بندی ارزشگذاری نویسندگان پیام آشنا تا پایان روز سوم به شرح زیر است:	
<b>۱- شکاف</b>	۱/۹۲
<b>۲- چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت</b>	۱/۶۶
<b>۳- مرگ ماهی</b>	۱/۳۸
<b>۴- خانه دختر</b>	۱/۳۵
<b>۵-احتمال باران اسیدی</b>	۱/۳۰

- کوتاه از جشنواره سی و سوم**

نتیجه‌آرای تماشاگران تا پایان روز سوم

«**رخ دیوانه**» **همچنان در صدر جدول**

نتایج آرای مردمی سومین روز از سی و سومین جشنواره فیلم فجر اعلام شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ارتباطات و اطلاع رسانی سی و سومین جشنواره فیلم فجر از خانه سینما، با شمارش ۲۷۲۹۸ برگ رای تماشاگران تا روز سوم جشنواره به ترتیب فیلم های **رخ دیوانه** به کارگردانی ابوالحسن داوودی با میانگین امتیاز ۰٫۲۱۳، **فیلم عصر یخبندان** به کارگردانی مصطفی کبیایی با میانگین امتیاز ۲/۱۲ و **فیلم کوچه بی نام** به کارگردانی هاتف علیمردانی با میانگین امتیاز ۳/۰۲ تا این تاریخ به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند.

- کوتاه از جشنواره سی و سوم**

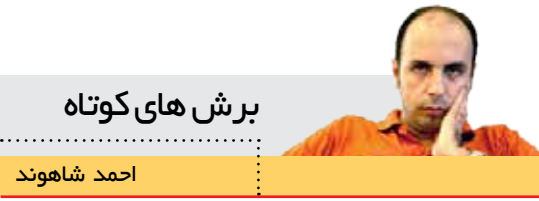
**سحردولتshاهی:**

**بازی در سکانس انتهای فیلم «شکاف» غافلگیر کننده بود**

سحر دولتshاهی بازیگر فیلم «شکاف» گفت: با تک تک سلول هابیم در سکانس های پایانی این فیلم به ایفای نقش پرداختم و این بخش از فیلم، خودم را هم غافلگیر کرد.

به گزارش پیام آشننا، سحر دولتshاهی در واکنش به تحسین منتقدان به دلیل بازی در سکانس انتهای فیلم شکاف اظهار کرد: بازی در سکانس پایانی فیلم «شکاف» در کارنامه کاری من لحظه عجیبی بود و با تک تک سلول هابیم درگیربازی در این بخش شدم. وی افزود: خودم هنوز نمی دانم که واقعا چه اتفاقی افتاد که توانستم این حس را بگیرم و با تمام وجود خوشحالم که توانستم این حس را به خوبی به تماشاگر منتقل کنم.

وی جدایت فیلمنامه را دلیل پذیرفتن نقش نسیم در «شکاف» ذکر کرده و گفت: فیلمنامه این اثر سینمایی حرف درستی می زند و کمتر فیلمنامه ای بدین ترتیب به یک موضوع اشاره دار.



«عصر یخبندان» و …

**پایان های ناتمام**

**۱- عصر یخبندان**
با اینکه به لحاظ تعدد شخصیت و موقعیت، پروژه سنگین تر و پرحجم تر و شلوغ تری نسبت به خط ویژه است و توان بیشتری را می طلبیده،اما متأسفانه به اندازه فیلم قبلی کبیایی موفق نیست.

فیلم علی رغم اینکه در نیمه اول خوب جلو می رود و کمابیش موفق می شود داستان پرملاطش را تا حدودی بی لکتک تعریف کند و رابطه های کاراکترهای متعددد را خوب به تصویر بکشد،اما در نیمه دوم کبیایی نمی تواند فیلم را جمع کند. توالی سکانس ها به دلیل نامشخص بودن بازگشت فیلم به گذشته و عدم نشانه گذاری در فیلمنامه درنیاوده و ذهن را آزار می دهد. بخصوص در آخرین بازگشت به زمان حال کسه به فصل آغازین فیلم رجعت داده می شود، این فصل می تواند در اتومبیل زن و مردی که مامور پخش مواد در جعبه های پیتزا هستند به پایان برسد،اما در حد شیرفهم کردن تماشاگر کندذهن و یا حتی به هم ریختن پیش فرض های تماشاگر حرفه ای پیش می رود. همان مشکلی که پایان بندی فیلم به آن دچار شده است.
بلاتکلیفی کبیایی در رسیدن به پایان بندی قطعی بزرگ ترین نقطه ضعف عصر یخبندان است.فصل استیصال آنهایتنامعتی و محسن کبیایی(سعید) روی پل عابر،فصل کشته شدن فرید(پیرام رادان)، فصل آغاز شدن مهتاب (مهتاب کرامتی) از به هوش آمدن بابک(فرهاد اصلانی) و فصل اشاره شده در بالا می توانستند به عنوان نقاط پایانی فیلم باشند،اما کبیایی به اینها بسنده نمی کند و آنقدر همه چیز را کنش می دهد تا به فصل فعلی که همچون برخی از فصل های فیلم میان کمدی و درام معلق است و اتفاقا به صورت مجزایایده بسیار جذاب دوربین مداربسته در هدیه ای که ستاره برای همسرش خریده را دارد، برسد.
فیلمنامه **عصر یخبندان** منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.

عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.
عصر یخبندان منهای ضعف در جمع بندی، همچنان نقطه قوت فیلم است.

**۲- شهاب حسینی**
برای بازی در فیلمی که مضمونش بر خلاف نامش -**دوران عاشقی** - حول محور بخشش و گذشتت می چرخد و از حد یک ملودرام متوسط فراتر نمی رود، انتخاب خوبی نیست و بازی خوبی هم ارائه نکرده است.

**جدول ارزشگذاری فیلم های جشنواره فیلم فجر**



**یادداشتی بر فیلم «خانه دختر»:**

**قربانی دیگر باتلاق تریلر**

مطمئنا برای کسانی که فیلم **خانه دختر** را تماشا کرده اند، این پرسش پیش می آید که چرا سناریوی فیلم، هم وزن نام و اعتبار «پرویز شهبازی» نبوده است؟

پاسخ این پرسش روشن است. شهبازی از زمانی که ایده ابتدایی این فیلمنامه را در ذهن می پروراند، بی شک در پی خلق یک تریلر امروزی بود؛ تریلری که پروداکشن آنچنانی نمی خواهد و از در درام هم وارد می شود. یک ایده بسیار خوب که در شکل اجرایی اش تاکام ماند.

**خانه دختر**، بسیار خوب شروع می شود. تعلیق ها، یک به یک قدرتمندتر می شوند و ضرابهنگ داستانی نیز تندتر. این روال رو به رشد، دقیقا تا نیمه فیلم اتفاق می افتد و از آنجا به بعد که داستان، به مرور فلاش بک ها می رسد، دچار افت به شدت محسوسی می گردد، به عبارتی، نویسنده خیلی زود دست به کشف رمز می زند و کدهایی که می دهد را یکی یکی برای مخاطب خود رو می کند اما نکته بسیار بدتر ماجرا آن است که لو رفتن کدهایی که نویسنده در نیمه ابتدایی فیلم به مخاطب می دهد، کاملا سطحی و اولیه و به دور از پیچیدگی های جذاب و تامل آور یک تریلر قوی است. در ابتدای فیلم، این گمانه بسیار قوی مطرح می شود که سمیرا خودکشی کرده یا در حادثه ای، توسط غریبه ها کشته شده باشد و یک احتمال بسیار خفیف که ممکن است قتل به دست فردی خودی صورت گرفته باشد که در انتها معلوم می شود همان گمانه به شدت قوی درست بوده است؛ و گمانه های دیگری از این دست که در خود فیلم مطرح شده بودند و الزامی نداشت که بدون رخ دادن غائله خاصی، دوباره بیان شوند.

از ایسن حیث، فیلم دو نیمه کاملا متفاوت دارد؛ یک نیمه به شدت قوی و پرتعلیق و یک نیمه به شدت رخوت انگیز و خنثی. مخاطب وقتی در نیمه ابتدایی فیلم قرار دارد گمان می کند که با یکی از بهترین تریلرهای تاریخ سینمای ایران مواجه است که حتی می تواند به نمونه های موفق بین المللی پهلو بزند اما این گمان خیلی زود، از بین می رود چرا که نویسنده تلاش نمی کند تا معنای عمیقی به جنس تعلیق های خود بدهد و تنها در پی تعلیق آفرینی کاذب است؛ موارد مصادقی تعلیق های بی کارکرد این چنینی در طول فیلم بسیار است؛ از قضیه اس ام اس ها و خاموش کردن گوشی سمیرا پس از مرگش تا نحو صحبت کردن منصور با خواهر سمیرا و حتی وجود تعمیر کار در منزل منصور که به ضرب و زور نوع دیالوگ گویی و گرم،به قصد تعلیق آفرینی دارد، همه و همه در جریان خلق یک تریلر قدرتمند اتفاق نمی افتند و تنها یک ظاهر سازی ضعیف برای طرح سوال و گمانه در ذهن مخاطب هستند.

اما تمرکز داستانی فیلم بر روی موضوع چکاپ پزشکی سمیرا است که قدرت مانور فیلم بر روی آن است که در شرایط ایده آل باید به صورتی اتفاق می افتاد که مخاطب به راحتی متوجه بی گناهی سمیرا نشود حال آن که فیلم می بایست این شرایط ایده آل را با توسل یه یک شخصیت پردازی قوی در این کاراکتر به مخاطب منتقل می نمود و تنها با یک دیالوگ از زبان سمیرا که «تا حالا هیچ نامحرمی دست منو نگرفته» نمی توان به عنوان سابقه شخصیتی خوبی از این دختر یاد کرد؛ این مصداق، بزرگترین نشانه ضعف شخصیت پروری کاراکترهای فیلم به شمار می رود که در سکانسی تعیین کننده رخ داد و بیشتر به چشم آمد.نمونه های آشکار ضعف شخصیتی در کارکترهای منصور و خواهر سمیرا نیز به عنینه مشاهده می شود و ضربات جبران ناپذیری بر بلورپذیری و منطق داستان وارد می کند.

★★★★★ **عالی**

محسن آزاددل	مجتبی اردشیری	فرهاد خالدار	احمدشاهوند	سیدرضاصنمی	زرنوش محمدی	محمدرضا مقدسیان	امیررضا نوری پرتو
<b>دور ان عاشقی</b>	<b>★ ★</b>	-	<b>★</b>	<b>★</b>	<b>★</b>	<b>★ ★</b>	<b>★ ★</b>
<b>بدون مرز</b>	<b>★</b>	-	<b>★</b>	-	<b>★</b>	<b>★</b>	<b>★</b>
<b>عصر یخبندان</b>	<b>★ ★</b>	-	<b>★ ★</b>	<b>★ ★</b>	<b>★ ★ ★</b>	<b>★</b>	<b>★</b>
<b>تا آمدن احمد</b>	-	-	-	-	-	<b>●</b>	<b>●</b>
<b>جزیره رنگین</b>	-	<b>★</b>	-	<b>★</b>	-	<b>●</b>	-

**خیلی دور خیلی نزدیک**

سحر دولتshاهی

**فصل های ماندگار فیلم های چهار روز اول**

**مشاخره ها، فاتح لحظه ها**

در سه روز اول برگزاری سی و سومین جشنواره فیلم فجر، لحظه های ماندگاری از فیلم های به نمایش درآمده در ذهن جا خوش کرده که به شکلی گذرا به آنها اشاره می کنم:

● **در ناهید** فصل کتک خوردن احمد با بازی نوید محمدزاده در دستشویی استادیوم بندر انزلی و زنگی او از پنهان کردن اسکانس ها در سیفون، اجرای درستی دارد. نحوه دکوپاژ و بازی کتک زن ها و بخصوص بازی محمدزاده بدون اینکه ذره ای اغراق و درشت نمایی داشته باشد، به خوبی حس این فصل را به بیننده منتقل می کند.

● **در ارغوان** فصلی که افزود با بازی شقایق فراهانی برای دخترش ارغوان از آداب کنسرت رفتن می گوید که با چرخش ۳۶۰ درجه ای دوربین در خانه همراه است و در انتها گذر زمان را شامل می شود، به خوبی توانسته حسرت افروز و همچنین خیانت و یا به قول فرهاد منفرد سو«تفاهمی را که همزمان در حین پرگزاری کنسرت در حال انجام شدن اس را منتقل کند.

● **در خداحافظی طولانی** که در یک پلان سکانس خوب اجرا شده جایی که بیچی همراه با طلعت به اتاق خواب خانه بیچی می روند و تصویر ماهرو که در آینه خانه نمایان می شود، نشان از خروج حضور خیالی ماهرو از خانه و در واقع خیال بیچی دارد. مومن به خوبی و با مهارت تمام از اجرای این فصل برآمده است.

● **چهارشنبه ۱۹ردیبهشت** پر است از فصل های ماندگار. اوج این سکانس ها مشاخره پسر عمه ستاره (برزو ارجمند) با نامزد اوست که در مقابل خانه منجر به صدمه دیدن پسر عمه ستاره می شود و در نهایت پرداخت دیه را به همراه دارد. در این فصل همه چیز عالی و روپارویی او با کار خود و خانواده چنان می شود که در آستانه فروپاشی قرار می گیرد.

● **در باره کارگردان:** «رخ دیوانه» جدیدترین ساخته داودی پس از فیلم هایی چون «قطاع»، «دان، عشق و موتور بزرگ»، «ادوب»، «سفر جادویی»، «جیب برها به بهشت نمی روند» و … است.

<div> <p><b>بهمن مرتضی فرشیاف</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li><b>بازیگران:</b> فاطمه معتمد آریا، احمد حامد، مریم شیرازی، امیر نصیری، یکتا، فریده اسماعیلی، شهرین یزدان پخش</li> <li><b>خلاصه داستان:</b> زنی به نام هما از مجرب ترین پرستاران بیمارستان است که پیشنهاد برسد کاری ده روزه ای را می پذیرد، وی دچار بی خوابی می شود و نحوه روپارویی او با کار خود و خانواده چنان می شود که در آستانه فروپاشی قرار می گیرد.</li> <li><b>در باره کارگردان:</b> «بهمن» دومین فیلم مرتضی فرشیاف پس از «سوگ» در مقام کارگردان است.</li></ul></div>	<div> <p><b>هوم سیدی</b></p> <ul style="list-style-type: none"><li><b>بازیگران:</b> نگار جواهریان، سیامک صفری، عباس غزالی، مشتاق زارع و بهمان بنی احمدی و با حضور بابک حمیدیان</li> <li><b>خلاصه داستان:</b> فیلم سینمایی «اعترافات ذهن خطرناک من» در یک ۲۴ ساعت روایت می شود و درباره مردی است که در یک روز کامل هیچ چیزی را به یاد نمی آورد.</li></ul></div>
--	--

**درباره کارگردان:** «اعترافات ذهن خطرناک من» پس از فیلم ویدئویی «آفریقا» و فیلم سینمایی «سیزده» که هم اکنون بر پرده سینماهای تهران و شهرستان هاست، سومین ساخته بلند هومن سیدی است.



**نگاهی به فیلم های «احتمال باران اسدی» و «شکاف»**

**دنیای درون**

● **احتمال باران اسیدی**
فیلمی است درباره درد مزمن تنهایی که این روزهاگیران خیلی ها را گرفته است. منوچهر رهنما (شمس انگرودی) کارمند سابق دخانیات،پس از یازنشتگی انزوا پیشه کرده و در دنیای درون خود گرفتار است. در شهر محل سکونتش در شمال کشور دوستی و آشنایی ندارد و برای یافتن یکی از معدود دوستان قدیمی اش (خسرو) راهی تهران می شود. تهرانی با همان مشخصات آشناشلوغ و برهیاهو و فریبنده. بهتاش صناعی ها در مقام کارگردان و یکی از فیلمنامه نویسان اثر،درست روی مضمونی گذاشته است که ناخودآگاه هم تات پنداری خیلی ها را بر می انگیزد. آن ها که در شهرهای کوچک و کلان شهرها زنده هستند اما زندگی نمی کنند. فیلم جز شخصیت رهنما که دوستاش معنقدند انگار در طول سسی سال کارمندی هیچ آرزویی نداشته است.دو شخصیت اصلی دیگر دارد که آن ها نیز جالب توجه هستند. مهسا (مریم مقدم که یکی از فیلمنامه نویسان اثر نیز هست) و کاوه (پوریا رحیمی) که هر دو نماد جوانان سردرگم و بی برنامه ی امروز هستند. جوانانی که سودای رفتن دارند. اگر دیگران سودای رفتن به آن سوی آب ها را دارند این دو در اندیشه سفر به مریم هستند. جایی که خیالشان راحت باشد پایشان روی زمین نیست!فیلم ریتم کندی دارد ولی این کندی با سبک زندگی و خلق و خوی شخصیت رهنما تناسب دارد. با این حال مشکل این جاست که سوزه های پیش بینی شده در روند فیلمنامه،آنچنان که باید پرشده نبوده و ممکن است به تدریج حوصله مخاطبی که بیشتر تمایل به تماشای قصه ای جذاب دارد را سر ببرد. بدون شک این فیلمی نیست که مورد پسند علاقمندان سینمای قصه گو قرار گیرد ولی کسانی که شیفته سینمای شخصیت محور هستند را ناامید نخواهد کرد.

● **نگاه دغغنه**
کلیاراش اسدی زاده از همان سکانس های آغازین **شکاف** نمایان است. درست از جایی که سارا (هانیه توسلی) از مشکل خاص خود آگاه می شود و دکترش راه درمان وی را در تولد فرزند می داند. سارا و پیمان که آمادگی بیچه دار شدن را نمی بینند اما درگیر ماجرای دیگری نیز می شوند. ماجرای جدایی فرهاد (پارسا پیروزفر) و نسیم (سحر دولتshاهی) که باعث می شود به نوعی مسئولیت نگهداری پسرشان(امیر کبان نجف زاده) به سارا و پیمان سپرده شود. فیلمنامه اما تا رسیدن به نقطه عطف اصلی راهی طولانی را طی می کند. تا در یک سوم پایانی تعلیق دو چندان شود.امتیاز اصلی فیلم نیز در این است.این که ضمن پرداخت درست شخصیت ها،قصه ای پر کشش و پرتعلیق را روایت می کند.قصه ای که تاانتها مخاطب را درگیر می سازد و پیام های اخلاقی مدنظر فیلمساز به سینمایی ترین شکل ممکن به مخاطب منتقل می کند. اسدی زاده در انتخاب شغل شخصیت های اصلی فیلم نیز خلاقیت به خرج داده و لوکیشن استخر باعث افزایش جذابیت های بصری فیلم شده است. با این وجود به نظر می رسد در قضیه مرگ پسر کمی اغراق شده و مرگ ناگهانی پسر در دل این قصه آنچنان که باید باورپذیر نمی نماید. در عین حال بازی ها قابل قبول از آب درآمده و در مجموع کلیارش اسدی زاده در مقام فیلمنامه نویس و البته کارگردان نمره قبولی می گیرد. کارگردان جوانی که قطعاً از این پس از او بیشتر خواهیم شنید.

متوسط	خوب	بی ارزش
<b>★</b>	<b>★ ★ ★</b>	<b>●</b>
امیررضا نوری پرتو	محمدرضا مقدسیان	امیررضا نوری پرتو
<b>★ ★</b>	<b>★ ★</b>	<b>★ ★</b>
<b>★</b>	<b>★</b>	<b>★</b>
<b>★ ★</b>	<b>★</b>	<b>★</b>
<b>-</b>	<b>●</b>	<b>●</b>
<b>-</b>	<b>●</b>	<b>-</b>

**ستون پنجم**

حمید سلجوقی
-------------

**مرگ ماهی / متأسفم**
اما در «مرگ ماهی» چیزی که بشود به آن «فیلم» و «سینما» اطلاق کرد ندیدیم. فکر می کنم خود حجازی هم می دانست چه گلی کاشته که می گفت انتظار از من بالا رفته ولی این یک فیلم معمولی ست! غیر از یک تصویربرداری خوب و دلنشین علی مصفا که تا اینجا ی جشنواره یکی از مکمل های خوب بوده، هیچ حرفی برای گفتن نمی گذارم «مرگ ماهی».

یک ساعت و خورده ای شما نشسته ای و زل زدی به پرده و زمان هم می گذرد و هیچ اتفاقی انگار قرار نیست بیافتد. «مرگ ماهی» نیست، مرگ مغزی صاحب اندیشه هایی ست که خیال کردند یک قصه نوشتند به سبک هالیوودی غافل از اینکه اصولا قصه ای پشی نمی رود و شخصیتی خلق نمی شود. فقط هر جای قصه که ریتم کلا فلج شدد یک آدم وارد می شود و راز پشت پرده افشا می کند و آش این لمغمه را هم دیگری می زند.

بیش تلخ به دنیا و آدم ها هم جدی دارد دیگر !!!

● **شکاف / در اجرا**
خوش تکنیک است و برای اسدی زاده ی کارگردان یک قدم رو به جلو اما فیلمی ست که مثل چند کلا دیگر جشنواره ی اسمال از پایان بد رنج می برد. کاش عزیزان اول، آخر، قصه شان را چینند بعد شروع کنند به چنین سایر جریان قصه ایده ی جذاب «شکاف» می توانست پخته تر از این ها پرداخت بشود.

● **اسدی زاده**
از ساختار داستانی «جدایی» و «در باره ای …» در این اثر الگو گرفته به نظرم خوب هم الگو گرفته حداقل توانستند یک فیلم با سسر و شکل درست دریاورد و دست و پای خودش را مثل شهرام شاه حسینی هم نکرده اما راهی را که فرهادی قبلا رفته، رفته و ما ه دیدیم، بخواهیم بار دیگر هم می گذاریمش و می بینیم! پس آن اتفاق تازه، آن نگاه تازه و آن خلاقیت ذهنی که از

قصا می دانم اسدی زاده دارد کجا رفته؟!

● **ارد زند**
حسام نورانی، صابر او …
● **شکاف**
همه شده، البته اصرار بر نمایش نگاهی تلخ تلخ که علشان رانمی فهمم.

**دو سهپلاکستانی**

● **بازیگران:** پرویز پرستویی، مهتاب نصیرپور، سولگ خلیق، محمد ربانی، سارا فراچه‌دانی، مصطفی زند، پیمان جعفری، سارا پوربوری، الهام شهبانی، سمیه برجی، رضا مسعودی، علی احسانی، جواد فراهانی، امیر جهانی، مهرانه مهین ترابی، محمد علی سجادی، ارد زند، حسام نورانی، صابر او …

● **خلاصه داستان:** بهای هر لحظه وجد را باید با ریج درون پرداخت …
● **درباره کارگردان:** «دو» اولین ساخته سینمایی سهپلاکستانی است که پیش از این بازیگری را در سینما تجربه کرده بود.

**سودی سیمین (سابقه فیلم های اول)**

**رخ دیوانه**

**ابوالحسن داودی**



● **بازیگران:** بیژن امکانیان، طناز طباطبایی، صابر ابر، ساعد سهیلی، نازنین بیاتی، امیر جدیدی، سحر هاشمی، فریون آل احمد
● **خلاصه داستان:** داستان چند جوان است که در یک قرار اینترنتی با یکدیگر آشنا شده و به دنبال یک شوخی و شرط بندی در مسیری پیچیده و دلپره آور می افتند. مسیری که درک جدیدی از زندگی و اجتماع را برای هرکدامشان رقم می زند.
● **درباره کارگردان:** «رخ دیوانه» جدیدترین ساخته داودی پس از فیلم هایی چون «قطاع»، «دان، عشق و موتور بزرگ»، «ادوب»، «سفر جادویی»، «جیب برها به بهشت نمی روند» و … است.

**فیلم های روز**

<sup>[1]</sup> به گزارش پیام آشنا به نقل از ارتباطات و اطلاع رسانی سی و سومین جشنواره فیلم فجر از خانه سینما، با شمارش 27298 برگ رای تماشاگران تا روز سوم جشنواره به ترتیب فیلم های رخ دیوانه به کارگردانی ابوالحسن داوودی با میانگین امتیاز 0٫213، فیلم عصر یخبندان به کارگردانی مصطفی کبیایی با میانگین امتیاز 2/12 و فیلم کوچه بی نام به کارگردانی هاتف علیمردانی با میانگین امتیاز 3/02 تا این تاریخ به ترتیب رتبه اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند